

پنجشنبه ۲۴ سپتمبر ۲۰۱۵

ناتور رحمانی

## تشنه

نمیدانم نگاه های درد دیده ی خود را

به آینه ی کدامین دریاچه ی زلال

به آب بسپارم ؟

که مگر بشوید گرد ماتم از وی

همه دریاچه ها

خون آلود

و تمامی رود خانه ها

به خشکی نشسته اند

حتا چشم کبود آسمان

اشکی نمیریزد

همه دشت است و برهوت

همه جا گورستان

گور هرچه بود و نبود

آخر نگاه های آتش گرفته ام

خاکستر حرمان خواهد شد !!

